

## سرمایه فرهنگی و پدافند غیر عامل

زینب پروری آرانی<sup>۱</sup>، زهرا پروری آرانی<sup>۲</sup>

### چکیده

پدافند غیرعامل و استفاده از آن قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد. تاریخ زندگی انسان‌ها گویای این امر است که انسان‌ها در هر دوره‌ای از تاریخ به منظور کاهش خسارات محیطی و نیز در امان بودن از تهاجم دشمن از جاهای امن استفاده می‌نموده‌اند. پدافند غیرعامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به‌کارگیری جنگ افزار نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارت مالی و تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد. در واقع، پدافند غیرعامل به مجموعه‌ای از تدابیر و اقداماتی گفته می‌شود که بدون استفاده از سلاح باعث کاهش آسیب‌پذیری، تلفات جانی و خسارات و افزایش قدرت پایداری شود. به عبارت ساده، پدافند غیرعامل به معنی دفاع بدون سلاح در مقابل تهدید است.

سرمایه فرهنگی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی پدافند غیرعامل مطرح می‌باشد. از سوی دیگر، کاربردهای پدافند غیرعامل، جدای از این که ضریب پایداری و کاهش آسیب‌پذیری را به همراه دارد، به‌عنوان مقوله‌ای فرهنگی در حوزه‌ی علوم اجتماعی نیز مطرح شده است. توجه به تهدیدات نوین دشمن با استفاده از رسانه‌ها، آسیب روحی و روانی به پیام‌گیران آنها برای نفوذ گسترده‌تر در عرصه ارتباطات با حربه‌های ارتباطی، مورد توجه اکثر کشورهای با فرهنگ اصیل قرار گرفته است. این زمینه در کشور ما نیز مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: پدافند غیر عامل، جنگ نرم، سرمایه فرهنگی

۱. دانشجوی کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی / [zparvari@yahoo.com](mailto:zparvari@yahoo.com)

۲. کارشناس زبان و ادبیات فارسی.

## بیان مسئله

سرمایه فرهنگی اثرات مستقیمی بر هویت اجتماعی افراد دارد و با افزایش این سرمایه، هویت اجتماعی نیز تشدید می‌شود. به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی موجب می‌شود که افراد به گونه‌ی مناسب‌تری خود و محیط اجتماعی خود را شناخته و به آن پایبند باشند. در واقع، سرمایه فرهنگی تأثیر بسزایی در شناخت انسان در زمینه‌های فردی و اجتماعی دارد. سرمایه فرهنگی در افزایش آگاهی از آئین‌ها، باورها، دانش‌ها و هنرها مؤثر بوده و موجبات شناسایی عوامل پیوند جامعه را فراهم می‌آورد و نحوه شکل‌گیری هویت جمعی را بیان می‌کند. علاوه بر آن، میزان بهره‌مندی از این سرمایه نوع رفتار جامعه را مشخص و وجود آن نشان از توسعه جامعه دارد. این سرمایه در باز تولید دیگر سرمایه‌ها نقش داشته و موجبات رشد فکری و پویایی جامعه را فراهم می‌آورد. فقدان سرمایه فرهنگی و عدم تعادل در توزیع سرمایه فرهنگی نقش اساسی در ایستایی جامعه و ایجاد اختلال در هویت جمعی می‌کند. سرمایه فرهنگی بازنمایی جمع نیروهای غیراقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به آموزش و منابع مختلف است که بر موفقیت تأثیر می‌گذارد. سرمایه فرهنگی مشتمل بر کفایت زبانی، فرهنگی و مهارت در فرهنگ طبقات بالاتر می‌باشد (دوماس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). «سرمایه فرهنگی به عنوان یک دارای تعریف می‌شود که مجسم کننده، ذخیره کننده یا تأمین کننده ارزش فرهنگی علاوه بر هرگونه ارزش اقتصادی است که می‌تواند داشته باشد» (حسن قرونه، ۱۳۸۲، به نقل از تراسبی، ۱۳۸۲). بنابراین با وجود چنین شرایطی در جوامع امروزی می‌توان یکی از مهم‌ترین سؤالات تحقیقاتی در این زمینه را این‌گونه مورد بحث قرار داد که میزان سرمایه فرهنگی در جامعه چقدر است؟ با توجه به مباحث فوق، هدف اساسی این مطالعه بررسی وضعیت سرمایه فرهنگی به عنوان مؤلفه‌های اساسی و کلیدی پدافند غیرعامل در جامعه اماری مورد نظر می‌باشد.

## مباحث نظری

در این بخش مبانی نظری تحقیق شامل جنگ نرم، پدافند غیرعامل و سرمایه فرهنگی ارایه گردیده است.

### الف) تعریف جنگ نرم

در بحث پدافند غیرعامل، مهم‌ترین نکته در زمینه سرمایه فرهنگی، جنگ نرم دشمن می‌باشد. جنگ نرم عبارت از هر گونه اقدام غیر خشونت‌آمیز است که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده، در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض داشته باشد (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹: ۹). جان کالینز تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با

1. Dumais

توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود»، می‌داند. ارتش ایالات متحده آمریکا در آیین رزمی خود آن را بدین صورت تعریف نموده است: «جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه‌های دوست است، به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد». در این مورد معروف‌ترین تعریف به جوزف نای، پژوهشگر آمریکایی در حوزه «قدرت نرم» نسبت داده شده است. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰، قدرت نرم را «توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد.

دشمن در جنگ نرم سعی دارد از طریق دگرگونی اندیشه‌ها و ارزش‌ها و در هم شکستن اصول اخلاقی و سست کردن باورهای دینی، ملت مورد نظر را به پوچی بکشاند و چون آن ملت را از لحاظ شخصیتی تضعیف کرد و روحیه استقلال و قدرت مقاومت را از او گرفت، اصول فکری خویش را القا و فرهنگ و باورهایش را بر آن‌ها تحمیل می‌کند (کریمی تبار، ۱۳۸۹: ۱۵۱). در واقع، جنگ نرم در پی از پا درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کرده و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی را تزریق کند (ماه پیشانیان، ۱۳۸۶).

### اهداف جنگ نرم

الیاسی با استفاده از بررسی دیدگاه‌های ساندرس (۱۳۸۲)، میچل (۲۰۰۸) و کرمی (۱۳۸۷)، مهم‌ترین اهداف جنگ نرم آمریکا و دنیای غرب در سایر کشورها را تغییر ایدئولوژی حاکم، کاهش مشارکت سیاسی مردم، القای ناکارآمدی حکومت، تغییر هویت دینی و ملی شهروندان با تخریب پیشینه تاریخی آنان، دست‌کاری افکار عمومی در جهت خواسته‌های خود و علیه نظام حاکم، کاهش انسجام اجتماعی، کاهش انسجام در حاکمیت، تغییر ارزش‌های جامعه، ایجاد استحاله فرهنگی، تغییر الگوی سیاسی حاکم و تشدید و تقویت واگرایی قومی بر شمرده است.

اهداف جنگ روانی آمریکا علیه ایران اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه‌ای به شرح زیر است:

- ۱- مرعوب کردن مسئولان و نخبگان ۲- تضعیف اراده عمومی ۳- سست کردن وحدت مردم و مسئولان
- ۴- تضعیف اعتماد به نفس مردم ۵- کاهش میزان مشارکت مردم ۶- دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی، سیاسی و صنفی ۷- ترساندن همسایگان جنوبی ایران ۸- القای حاکمیت دوگانه در ایران ۹- از بین بردن شخصیت و هویت تاریخی مردم ایران ۱۰- القای یأس و ناامیدی در مردم ایران.

## ابعاد جنگ نرم

برای جنگ نرم ابعاد گوناگونی برشمرده شده است. به طور کلی، جنگ نرم سه بعد اساسی را در بر می‌گیرد (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۱):

بعد فرهنگی: مهم‌ترین بعد جنگ نرم است. تهاجم فرهنگی، مقدمه جنگ نرم به شمار می‌آید؛ زیرا عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا با استفاده از سازوکارها و روش‌های فرهنگی، بر ارزش‌های بنیادی جامعه (ارزش‌هایی مانند خدامحوری، دشمن ستیزی، عدالت خواهی، خودباوری، ولایت مداری و...)، نگرش‌های پایه (مانند نگرش به بیگانگان، نگرش به نوع حکومت، نگرش به نوع روابط اجتماعی و...)، ترجیحات اساسی (مانند ترجیحات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...) و آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی تأثیر بگذارند و آن را دست‌خوش تغییر قرار دهند و نتیجه جنگ نرم فرهنگی، استحاله فرهنگی و تغییر هویت است.

بعد سیاسی: بعد سیاسی یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ نرم را تشکیل می‌دهد. بی‌اعتمادی و یا کاهش اعتماد مردم به حکومت و نهادهای سیاسی جامعه مشخصه‌ی اساسی بعد سیاسی جنگ نرم محسوب می‌گردد. بعد اجتماعی: از جمله مؤلفه‌های بعد اجتماعی جنگ نرم، کنش‌های اجتماعی، روابط و تعاملات، آداب و رسوم و رفتارهای جمعی است. عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا بر هویت مردم جامعه، انسجام اجتماعی، روحیه ملی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی و... تأثیر بگذارند. عرصه‌های تهدیدهای نرم را می‌توان به شش دسته حوزه‌ی تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ارتباطات اجتماعی و علمی و اندیشه‌ای تقسیم کرد (ملسن، ۱۳۸۸).

تهدیدهای اقتصادی: در خصوص نحوه تولید و ابزارآلات آن، با نگاهی کاپیتالیستی در صدد استحاله نظام اقتصاد جهانی است که معمولاً تأثیراتش در دیگر کشورها نمایان می‌شود. تلاش نظام سلطه از طریق اقتصادی در جهت تأثیرگذاری بر روند زیربنایی اقتصادی کشورها قابل ارزیابی است.

تهدیدهای فرهنگی: تهدیدهای فرهنگی وسیع‌ترین، مؤثرترین، پیچیده‌ترین و شاید خطرناک‌ترین نوع تهدیدها محسوب می‌شود. در این تهدید، ذهن مخاطبان مورد هجوم و توجه سیاست‌گذاران در ارکان نظام سلطه قرار دارد و برای تسخیر اذهان و قلوب انسان‌ها در راستای منافع خود، اقدامات گسترده و مختلفی را به اجرا می‌گذارند. تلاش نظام سلطه برای تأثیرگذاری بر افکار، ایمان، اندیشه و اعتقادات مخاطبان است.

تهدیدهای اجتماعی: مجموعه تهدیدهایی که در حوزه اجتماعی مطرح است به گرایش‌های روزمره مردم در زندگی و علایق آنان به انواع مد و شیوه زندگی و تقلید از سبک زندگی دیگران مربوط می‌شود. از مهم‌ترین مؤلفه‌های این تهدید، ترویج مدل زندگی آمریکایی در بین دیگر ملل است که از آن با عنوان سبک زندگی آمریکایی یاد می‌شود. این تهدید با ایجاد ذهنیت و زمینه‌سازی برای پذیرش فرهنگ مهاجم، باعث

تضعیف یا از بین رفتن آداب، سنن و رسوم ملی، منطقه‌ای و محلی می‌شود. تهدیدهای ارتباطات اجتماعی: فضای به وجود آمده از تهدیدهای ارتباطی مربوط به پدیده عصر حاضر؛ یعنی عصر ارتباطات یا اطلاعات و همچنین عصر انفجار اطلاعات است. در محیط این تهدید، مخاطب با هزاران طول موج‌های رادیویی و امواج دیجیتالی مواجه است.

### ب) تعریف پدافند غیر عامل

آفند در لغت به معنای «جنگ و خصومت» است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۲۶) و در واژگان نظامی معنای تهاجم را نیز داراست.

«پد» از پیش واژگانی است که به کلمات معنای ضد و متضاد می‌دهد. بنابراین پدافند را می‌توان «دفاع» معنا کرد. همچنین، واژه عامل واژه‌ای عربی و به معنای «کارکننده» است. غیر عامل: این واژه با ترکیب «غیر» ساخته شده است و «غیر» در زبان فارسی به معنی «نا» و «بی» است که چون بر سر اسم یا صفتی بیاید، آن را منفی می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۴۹۰۱) و در اصطلاح نظامی به معنای دفاع غیر نظامی است.

در بند اول سیاست‌های کلی نظام در خصوص پدافند غیر عامل که مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. این گونه تعریف شده است: «تأکید بر پدافند غیر عامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیر مسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد» (اسکندری، ۱۳۸۹: ۲۰ و ۲۱).

پدافند غیر عامل، در سال‌های اخیر به عنوان شیوه‌ای برای دفاع غیر مسلحانه در برابر حملات دشمن، ساختاری سازمانی یافته و نهادینه شده است. توجه به شکل تهدید و نفوذ از گذشته تا به امروز، می‌تواند دلیل توجه به پدافند غیر عامل را به عنوان یک مقوله‌ای فرهنگی به خوبی نشان دهد. در پدافند غیر عامل سلاح و روش‌های دفاع نظامی بکار نمی‌آید و این محافظت یا دفاع که ابعاد آن به مراتب وسیع‌تر از دفاع عامل است، باید ملاک عمل قرار گیرد. در این روش، باید شیوه‌ها، ابعاد گوناگون و گستره وسیع تهدیدات، تهاجم و حمله دشمن مورد بررسی قرار گرفته و برای تک‌تک آن‌ها با ارائه بهترین راهکارها چه قبل از وقوع و چه در حین وقوع، تدبیر نمود.

پدافند غیر عامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به‌کارگیری جنگ افزار نبوده و در واقع صلح‌آمیزترین و معقول‌ترین روش دفاعی است که کاهش خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی را به دنبال دارد. از آن جا که کشور عزیزمان ایران، یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا، استکبار غرب و صهیونیست‌ها می‌باشد، لزوم توجه به حفظ سرمایه‌های ملی در

حوزه‌های مختلفی نظیر دفاع، صنعت، انرژی، مالی و اقتصادی، بهداشت، اطلاعات، ارتباطات و امنیت دوچندان می‌شود. با یک رویکرد ملی و فنی به مقوله پدافند غیرعامل مشخص می‌شود این حوزه ماهیت بین رشته‌ای داشته و از سوی دیگر پدافند غیرعامل شامل مقولاتی نظیر ملاحظات و معیارهای فنی و مهندسی، امنیتی، اطلاعاتی، اطلاع رسانی، آموزش، فرهنگ‌سازی و مانند آن‌ها می‌شود (موحدی نیا، ۱۳۸۹: ۴).

دفاع غیرعامل شامل مکان‌یابی، استتار، اختفاء، پوشش، تفرقه و پراکندگی، استحکامات، سازه‌های امن و مقاوم‌سازی، فریب و اعلام خبر می‌باشد (موحدی نیا، ۱۳۸۹: ۳). به طور کلی می‌توان گفت که دفاع شامل دو بخش عمده‌ی دفاع (پدافند) عامل و دفاع غیرعامل می‌شود. در دفاع عامل تمام طرح‌ریزی‌ها و اقدامات دفاعی مستلزم به کارگیری سلاح و تجهیزات جنگی است و در دفاع غیرعامل، برنامه‌ها و اقدامات، موجب کاهش آسیب‌پذیری‌ها و افزایش پایداری و خدمات و هوشیاری مردم در مقابل تهدیدات است.

### تاریخچه

پدافند غیرعامل با مفهوم کلی دفاع در برابر تهاجم، بدون استفاده از سلاح و درگیر شدن مستقیم، سابقه‌ای بس طولانی در تاریخ بشری به قدمت خلقت انسان دارد.

شکل‌گیری تمدن‌های اولیه در جهان، همواره با وقوع جنگ همراه بوده است، انسان‌ها از طریق پناه گرفتن در غارها و ساخت جوشن و سپر و ایجاد برج و بارو و قلاع محکم و مرتفع و حفر خندق جهت حفظ جان و تأمین امنیت گروهی با هدف پیشگیری از حملات غافلگیرانه دشمن اقدام نموده‌اند (موحدی نیا، ۱۳۸۹: ۱).

موضوع پدافند غیرعامل در جهان از قدمتی به اندازه تاریخ زندگی بشر برخوردار است. انسان‌های اولیه برای در امان ماندن از تهاجم حیوانات وحشی و دیگر دشمنان خود و هم‌چنین برای کاستن از نگرانی‌ها به غارها، بالای درختان و دیگر مأمن‌های طبیعی پناه می‌بردند. با شکل‌گیری تمدن‌های اولیه در جهان که با وقوع جنگ همراه بود، انسان‌ها اصول اولیه پدافند غیرعامل را به صورت جوشن و سپر برای حفاظت انفرادی و برج و بارو و قلعه‌های محکم و مرتفع را برای تأمین امنیت گروهی به صورت گسترده‌ای رواج دادند. وجود خندق در اطراف شهرها و ایجاد دروازه‌های مستحکم برای پیش‌گیری از حملات غافل‌گیرانه دشمن در تمام نقاط جهان امری رایج بود (اسکندری، ۱۳۸۹: ۲۱ و ۲۲).

گروهی جنگ نرم را پدیده‌ای بسیار پر قدمت می‌دانند. اینان بر این باورند که بروز و ظهور پدیده‌ی جنگ نرم، همزاد شکل‌گیری اجتماعی و حکومت هاست. ملتون و همکارانش در این گروه جای می‌گیرند. به گمان ملتون و همکارانش، سران حکومت‌ها از دیر باز در پی آن بوده‌اند تا با بهره‌گیری از ساز و کارهای غیر نظامی (غیرسخت)، قدرت رقبا و دشمنان خویش را محدود سازند و اراده‌ی خویش را بر آنان تحمیل نمایند (ملتون و دیگران، ۲۰۰۵).

نظریه جنگ نرم طی دهه‌های اخیر وارد ادبیات سیاسی شده است. در این باره منسجم‌ترین کتابی که با عنوان قدرت نرم انتشار یافته، به جوزف نای تعلق دارد. وی معتقد است مبنای قدرت سخت یا جنگ سخت بر «اجبار» و مبنای قدرت نرم بر اقناع است. او بر خلاف بعضی از صاحب نظران، اقتصاد و دیپلماسی را در زیرمجموعه قدرت سخت قرار داده و تنها از رسانه به عنوان قدرت نرم نام برده است (نای، ۱۳۸۳).

می‌توان ادعا نمود که قدمت پدافند غیرعامل به قدمت تمدن بشری باز می‌گردد. لیکن این موضوع برای نسل‌های بشر به صورت تلاش آن‌ها برای حراست و مراقبت در برابر دشمنان طبیعی و انسانی نمایان شده است و در طول تاریخ همواره تمهیداتی را برای در امان ماندن از این حوادث مد نظر داشته است. برج و باروهای حفاظتی شهرها، قلعه‌ها و حصارها نمونه‌های بارزی در این خصوص می‌باشند.

در عصر جدید با توجه به مقتضیات عالم جدید و ایجاد دولت‌ها، این موضوع از حیطه شهری به گستره ملی انتقال پیدا نمود. با بروز جنگ جهانی اول و دوم و کشیده شدن پای جنگ به شهرها این موضوع اهمیت بیشتری یافت و شکل علنی به خود گرفت. پس از آن، جنگ سرد و چالش‌های جهانی مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی اهمیت این بحث را بیشتر نموده است. در نهایت با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و جنگ‌های دهه اخیر بین کشورها، این مبحث وارد فاز جدیدی از مطالعات و برنامه‌های اجرایی گردیده است.

## اهداف دفاع غیرعامل

از جمله اهداف پدافند غیرعامل شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی، هدف یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن.
- ۲- حفظ سرمایه‌های کلان ملی کشور.
- ۳- حفظ توان خودی جهت ادامه فعالیت‌ها و تداوم عملیات تولید و خدمات رسانی.
- ۴- افزایش آستانه مقاومت مردمی و قوای خودی در برابر تهاجمات دشمن.
- ۵- بالا بردن توان دفاعی کشور.
- ۶- ایجاد آمادگی‌های لازم مقابله با دشمن در شرایط تهدیدات نامتقارن.
- ۷- حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور (موحدی نیا، ۱۳۸۹: ۲۴ و ۲۵).

دفاع غیرعامل مکمل دفاع عامل، صلح‌آمیزترین و اثربخش‌ترین روش دفاعی است که کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های ملی و مراکز حیاتی، حساس و مهم و پایداری ملی را به دنبال دارد. پدافند غیرعامل از طریق توسعه ظرفیت‌های دفاعی و ارتقای آستانه تحمل عمومی، ضمن افزایش توان بازدارندگی ملی و مقاومت مردمی، با افزایش هزینه تهاجم، تردید اساسی را در اراده تهاجمی دشمن ایجاد می‌نماید (اسکندری، ۱۳۸۹).

## اهمیت دفاع غیرعامل

تجارب حاصله از جنگ‌های گذشته به خصوص هشت سال دفاع مقدس مؤید این نظر است که کشور مهاجم جهت در هم شکستن اراده‌ی ملت و توان سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور مورد تهاجم با اتخاذ استراتژی انهدام مرکز ثقل<sup>۱</sup>، توجه خود را صرف بمباران و انهدام مراکز حیاتی، حساس و مهم می‌نماید. پدافند غیرعامل به عنوان یکی از مؤثرترین و پایدارترین روش‌های دفاع در مقابل تهدیدات همواره مدنظر اکثر کشورهای جهان قرار داشته است و حتی کشورهایمانند آمریکا و شوروی سابق با وجود برخورداری از توان بالای نظامی به این موضوع به صورت ویژه‌ای توجه داشته‌اند. در کشور ما با وجود موقعیت خاص از نظر ژئوپولیتیک، دارا بودن ثروت‌های عظیم نفت و گاز، نظام ضد استکبار و ورود به عرصه‌های فن‌آوری نوین و تهدیدات استکبار جهانی، موضوع پدافند غیرعامل به میزان کافی مورد توجه قرار گرفت و حتی گذر سال‌های دفاع مقدس نیز در ایجاد هوشیاری لازم برای کاهش آسیب‌پذیری‌ها و توجه به محورهای پایداری توسعه از نظر امنیت و دفاع، نقش قابل قبولی ایفا نمود.

پدافند غیرعامل به سبب افزایش توان بازدارندگی، نقش ممتازی در کاهش احتمال آغاز درگیری‌های نظامی داشته و در صورت پیاده‌سازی صحیح، خواهد توانست آثار مخرب جنگ‌های پیش رو را تقلیل دهد. راهبرد پدافند غیرعامل از برخی قابلیت‌های کلیدی برخوردار است که می‌توانند ضامن توسعه امن محسوب گردند. اهم این قابلیت‌ها عبارتند از:

- پدافند غیرعامل بستر مناسب توسعه پایدار کشور محسوب می‌گردد.
- پدافند غیرعامل هم راستا با سیاست‌های تنش زدایی است.
- پدافند غیرعامل پایدارترین و ارزان‌ترین روش دفاع است.
- پدافند غیرعامل مناسب‌ترین راه کار افزایش آستانه مقاومت ملی است.
- پدافند غیرعامل پشتوانه اقتدار ملی است.
- پدافند غیرعامل یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی محسوب می‌گردد.
- پدافند غیرعامل بهترین و مناسب‌ترین شیوه کاهش مخاطرات و کاهش آسیب‌پذیری‌ها در جامعه است.
- پدافند غیرعامل صلح‌آمیزترین روش دفاع است.
- پدافند غیرعامل فطری‌ترین عنصر دفاعی بشر در برابر تمام حوادث است.
- به کارگیری هوشمندانه قابلیت‌های برشمرده در بالا سبب نتایج گوناگونی در کشور خواهد شد که مهم‌ترین آن‌ها را به طور اختصار می‌توان به شرح ذیل بیان داشت:

کشورهایی که توسعه پدافند غیرعامل را به عنوان یک سیاست دفاعی مستمر در دستور کار خود قرار می‌دهند هیچ‌گاه در مظان اتهام تهدید بر علیه کشورهای دیگر قرار نمی‌گیرند.

کشورهایی که پدافند غیرعامل را به عنوان یک راه کار اصلی برمی‌گزینند به شرایطی از نظر کاهش آسیب‌پذیری دست می‌یابند که مطامع کشورهای تهدید کننده بر علیه آن‌ها کاهش می‌یابد.

در جهان امروز کشورهایی که نقاط آسیب‌پذیری آن‌ها فراوان است و دشمن می‌تواند با ضربات سریع، حیاتی‌ترین منابع آنان را منهدم نماید، عوامل تهدید از بیرون را در درون خود ایجاد می‌نماید.

پدافند غیرعامل عنصری پویا و متحرک است، لذا می‌تواند در اولویت تلاش‌های علمی و پژوهشی قرار گیرد. پدافند غیرعامل می‌تواند در کلیه سطوح مدیریتی، مهندسی و فنی آموزش داده شود و توسعه یابد (اسکندری، ۱۳۸۹: ۲۹ و ۳۰).

### سرمایه فرهنگی

سرمایه به منابع یا قابلیت‌های در اختیار فرد یا موقعیتی اشاره دارد که از نفوذ اجتماعی یا رواج برخوردار باشد (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۸). سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه‌های اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد، مؤثر واقع شود (استونز و راب، ۱۳۸۳: ۳۳۵).

واژه سرمایه تأکید بر این امر دارد که مولد است و شما را قادر می‌سازد تا ارزشی به وجود آورید، کاری انجام دهید، به هدفی نایل شوید، مأموریتی را در زندگی انجام داده و نقشی در جهان ایفا کنید (شارع پور، ۱۳۸۷: ۶۶).

واگت معتقد است سرمایه ثروتی است مولد یا منبعی که شخص می‌تواند برای ایجاد درآمد یا منابع اضافی دیگر به کار برد (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶ به نقل از واگت، ۱۹۹۳: ۲۹). دریافت بورديو از سرمایه وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. در واقع سرمایه منبعی عام است که می‌تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیر ملموس به خود گیرد (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶ به نقل از آنهیر و گره‌ادز، ۱۹۹۵: ۸۲۶). به تعبیر بورديو اگر در صدد فهم جهان اجتماعی هستیم باید ایده سرمایه، انباشت آن و تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم (شارع پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴)؛ و در تعبیری دیگر، بورديو سرمایه را به مفهوم انباشت تعریف می‌کند (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶ به نقل از گالونی، ۱۹۹۷: ۸۱).

سرمایه فرهنگی، درجه تبحری است که شخص در کردارهای فرهنگی‌ای دارد که جامعه‌ای معین آن را مشروع تشخیص می‌دهد. سرمایه تحصیلی - یعنی توانایی‌های رسمی که فرد کسب می‌کند، یکی از شاخصه‌های مقدار سرمایه فرهنگی است. اما این دو معادل هم نیستند (کالینیکوس و آلكس، ۱۳۸۳: ۵۰۵). مفهوم سرمایه فرهنگی به مفهوم ماکس وبر از «سبک زندگی» نزدیک است که شامل مهارت‌های خاص،

نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی و شیوه‌هایی می‌گردد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۳). سرمایه فرهنگی همچنین یادآور مفهوم مصرف چشم‌گیر تورشتاین و بلن نیز هست. یعنی نمایش عمومی مایملک، شیوه زندگی و رفتار به گونه‌ای که وضعیت مرفه، متظاهرانه به دیگران فهمانده می‌شود و این به قصد کسب تأیید دیگران انجام می‌شود (دیلینی، ۱۳۸۸: ۲۹۸). به عبارتی طبقات بالا با چشمگیر ساختن شیوه زندگی خود از دیگران متمایز می‌شوند.

از نظر تاریخی سرمایه فرهنگی نخستین بار بوردیو مفهوم سرمایه فرهنگی را در اوایل دهه ۱۹۶۰ به کار برده است. قبل از این زمان مفهوم سرمایه تنها برای سرمایه انسانی و سرمایه طبیعی باز تولید شده به کار می‌رفت، اما بعدها مفهوم سرمایه به حوزه فرهنگ و هنر نیز راه یافت و مفهوم سرمایه فرهنگی به وجود آمد (تراسی، ۱۳۸۲).

به گفته‌ی بوردیو مفهوم سرمایه فرهنگی در ابتدا فقط فرضیه‌های نظری بوده است که با ربط دادن موفقیت آکادمیک به توزیع سرمایه فرهنگی میان طبقات و لایه‌های طبقاتی، امکان توضیح موفقیت تحصیلی نابرابر کودکان متعلق به طبقات اجتماعی متفاوت را فراهم می‌ساخت. این نقطه‌ی شروع، از طرفی گسست از این پیش فرض‌های به زعم بوردیو عامیانه است که موفقیت یا شکست آکادمیک را نتیجه‌ی استعداد طبیعی می‌داند و از طرف دیگر نیز گسست از نظریه‌های سرمایه انسانی است. در واقع، بوردیو ضمن ستایش از نظریه‌های سرمایه‌ی انسانی به دلیل طرح صریح رابطه‌ی میان نرخ‌های سود سرمایه گذاری تحصیلی و سرمایه گذاری اقتصادی، آنان را ناتوان از توضیح نظام‌مند ساختار بخش‌های متفاوت کسب سود در بازارهای گوناگون توسط عاملان یا طبقات با توجه به کارکرد حجم و ترکیب دارایی‌شان می‌داند.

به نظر بوردیو تعریف سرمایه از همان آغاز به رغم دلالت‌های ضد اومانستی‌اش و از اقتصاد گرایی فراتر نمی‌رود و علاوه بر مسائل دیگر، از این نکته غافل می‌شود که محصول تحصیلی به سرمایه‌ی فرهنگی وابسته است که خانواده پیش از این سرمایه گذاری کرده است (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

بوردیو در نظریه کنش خود، هدف از طرح مفهوم سرمایه فرهنگی را ارایه سازوکار پیچیده‌ای می‌داند که از طریق آن نهادهای آموزشی موجب باز تولید نحوه‌ی توزیع سرمایه فرهنگی می‌شوند و به دنبال آن باز تولید ساختار فضای اجتماعی و یا به عبارت دیگر باز تولید ترکیب طبقات اجتماعی انجام می‌گیرد (بوردیو، ۱۳۸۱). مفهوم سرمایه فرهنگی تأثیر چشمگیری بر جامعه‌شناسی نهاده است، زیرا این مفهوم فرهنگ را در مرکز تحقیقات راجع به قشربندی وارد نموده است. این مفهوم در اواخر دهه ۱۹۷۰ با ترجمه شدن کتاب باز تولید وارد سنت جامعه‌شناختی انگلیسی زبان شده است. از زمان مطرح شدن این مفهوم توسط بوردیو، بیش از هر حوزه‌ی دیگری در حوزه‌ی آموزش و پرورش به کار رفته است و حجم عظیمی از تحقیقات تجربی و تأملات نظری پدید آورده است. لکن از آن در سایر رشته‌ها نیز استفاده‌های فراوانی شده است.

محققان بسیاری در پژوهش‌هایشان این مفهوم را به کار برده و به بسط و تعدیل مفهوم سرمایه فرهنگی پرداخته‌اند.

تحلیل بوردیو درباره اشکال گوناگون سرمایه و روند پویای تغییر شکل آن‌ها در عرصه‌های مختلف، یکی از بدیع‌ترین و مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه اوست. جایگاه‌های عوامل گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که این عوامل دارند تعیین می‌کند. این سرمایه است که به یک فرد اجازه می‌دهد تا سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت بگیرد. بوردیو معمولاً از چهارنوع سرمایه سخن می‌گوید. معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی که در پهنه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد، البته آشکار است. سرمایه فرهنگی انواع گوناگون دانش مشروع را دربر می‌گیرد، سرمایه اجتماعی دربرگیرنده روابط اجتماعی ارزشمند میان آدم‌هاست و سرمایه نمادین از شأن و حیثیت شخص سرچشمه می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۱: ۷۲۵).

سرمایه فرهنگی همان مجموعه‌ای از ثروت‌های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب شده‌ای بر می‌گردد که به شکل رغبت‌های پایدار ارگانیک، حالت درونی شده به‌خود می‌گیرند (در فلان زمینه دانش داشتن، با فرهنگ بودن، به زبان و نحوه بیان تسلط داشتن، جهان اجتماعی و رمزگان آن را شناختن و خود را در این جهان آشنا دیدن). از سوی دیگر، به صورت موفقیت‌های مادی، سرمایه به حالت عینیت یافته، میراث فرهنگی به شکل اموال (تابلوها، کتاب‌ها، واژه‌نامه‌ها، ابزارها، ماشین‌ها) جلوه می‌کند؛ و سرانجام سرمایه فرهنگی می‌تواند به حالت نهادینه شده در جامعه به‌صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره که به استعدادهای فرد عینیت می‌بخشد؛ جامعه (یا بیشتر اوقات دولت) که این بازشناسی را اعلام می‌دارد، آن را نهادینه می‌کند و اغلب برای آن پایگاه قائل می‌شود و جایگاه تعیین می‌کند (معلم، استاد، قاضی، کارمند دولت). سرمایه فرهنگی بدون کوشش شخصی کسب نمی‌شود و به ارث برده نمی‌شود، بلکه از جانب عامل کار طولانی، مداوم و پیگیر یادگیری و فرهنگ‌پذیری را می‌طلبد. سرمایه فرهنگی داشتنی است که بودن شده است، ملکی است درونی شده و جزء لایتجزای شخص گردیده، خصلت او شده است. کسب سرمایه فرهنگی زمان می‌خواهد و بنابراین به امکانات مادی و اساساً مالی نیاز دارد تا زمان به دست بیاید. سرمایه فرهنگی، از این بابت به نحوی تنگاتنگ به سرمایه اقتصادی گره خورده و به شکل دیگر آن در آمده است (شویره، ۱۳۸۵: ۹۷).

بوردیو با تئوریزه کردن سرمایه در اشکال گوناگون بر سه نکته تأکید می‌کند: الف چیزهای خوبی که مردم در جستجوی آن‌ها هستند و امکانات و منابعی که قصد انباشت‌شان را دارند، بسیار گوناگون‌اند. ب همه این موارد لزوماً اجتماعی‌اند، زیرا معنای‌شان را از روابط اجتماعی‌ای می‌گیرند که بر سازنده عرصه‌های مختلف‌اند و نه از چیزهایی مادی که به خودی خود ارزشمند باشند، ج تلاش و نزاع برای انباشت سرمایه فقط بخشی از قضیه است، زیرا تلاش و نزاع برای بازتولید سرمایه هم به همان اندازه مهم است و اغلب

مبتنی بر شیوه‌هایی است که می‌توان از طریق آن‌ها سرمایه را در عرصه‌های مختلف به شکل‌های دیگری تبدیل کرد (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

### تعاریف سرمایه فرهنگی

از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی عبارت از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۴۷). دیوید تراسبی، سرمایه فرهنگی را نوعی دارایی که مجسم کننده، ذخیره کننده یا تأمین کننده ارزش فرهنگی علاوه بر هر گونه ارزش اقتصادی که می‌تواند داشته باشد، بیان نموده است (تراسبی، ۱۳۸۲: ۶۸). از نظر موهر و دیماجو، سرمایه فرهنگی یعنی داشتن ذائقه‌های دارای پرستیژ و توانایی درک و شناخت اشیاء یا سبک‌های هنری که دارندگان اقتدار فرهنگی به آن‌ها اهمیت می‌دهند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۴۹).

سرمایه فرهنگی به شیوه‌های فرهنگی خاصی که در روند آموزش‌های رسمی و خانوادگی در افراد تثبیت شده اشاره دارد و نیز ظرفیت شناخت افراد در کاربرد لوازم فرهنگی را در بر می‌گیرد. کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون گردیده و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف از قبیل کتاب، روزنامه، سینما و انواع ورزش‌های خاص طبقات بالای اجتماعی مانند اسب سواری، گلف و مانند آن را موجب می‌شود. در واقع استفاده کنندگان از سرمایه فرهنگی در قشر بندی اجتماعی، در طبقه بالای اجتماع قرار می‌گیرند و به راحتی به ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی دست می‌یابند. همچنین، سرمایه فرهنگی در اشکال مختلف وجود داشته و شامل تمایلات و عادات دیرینه‌ای است که در فرآیند انباشت اشیای فرهنگی با ارزش مثل نقاشی و صلاحیت‌های تحصیلی و آموزش رسمی حاصل آمده است. ترنر، سرمایه فرهنگی را مجموعه نمادها، عادات، منش‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارک آموزشی، ذوق و سلیقه‌ها و شیوه‌های زندگی که به طرز غیر رسمی بین افراد شایع است، تعریف می‌کند. کالینز، سرمایه فرهنگی را شامل «منابعی نظیر مکالمات از پیش اندوخته در حافظه، شیوه زبانی، انواع خاص دانش یا مهارت، حق ویژه تصمیم‌گیری و حق دریافت احترام می‌داند» (ملا حسنی، ۱۳۸۱: ۳۰۰). از سوی دیگر، سرمایه فرهنگی شامل گرایش‌ها و عادت‌های پا برجا و تثبیت شده در طول فرآیند جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است (نوغانی، ۱۳۸۳: ۱۷).

اصطلاح سرمایه فرهنگی از قیاس با سرمایه اقتصادی در نظریات و قوانین و تحلیل مباحث مربوط به سرمایه داری رواج یافته است (روح الامینی، ۱۳۷۷: ۱۱۶). همچنین، سرمایه فرهنگی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد تعریف شده است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۰۰). پی‌یر بوردیو و ژان کلود پاسیرون، در تحقیقی که بر اساس فرضیه عدم تساوی سرمایه فرهنگی انجام داده‌اند، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که نابرابری فرهنگی فقط با رفتار و اعمال فرهنگی که برای افراد و گروه‌ها مقدور است، مشخص

می‌شود. تئاتر و اپرا رفتن، مجله و روزنامه خواندن، سینما رفتن، دوربین عکاسی داشتن و امثال آن‌ها می‌توانند به عنوان نشانه‌ها و امکانات سرمایه فرهنگی به شمار آیند که به طور یکسان در دسترس همه نیست. بورديو عقیده دارد که سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب خود، سرمایه فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و سرمایه فرهنگی نیز با کارکرد خود، سرمایه اقتصادی را به وجود می‌آورد (روح الامینی، ۱۳۷۷: ۱۱۷ و ۱۱۸). سرمایه فرهنگی شامل اشکال سرمایه غیر مادی و غیر اقتصادی است و در یر گیرنده سرمایه نمادین و فرهنگ خاص می‌باشد.

در زمینه تاریخچه سرمایه فرهنگی باید گفت که سرمایه فرهنگی حداقل در نواحی شهری، به مدت دویت سال برای گروه‌های مختلف مسلط بر کار دفتری، نمایندگان دستگاه دولتی و روشنفکران، مؤثر بوده است. در طی این دوره، وسایل باز تولید (مدارس با اعتبار و غیره) به وسیله نخبگان جامعه کنترل گردیده‌اند. این نخبگان، به طور گسترده تصدیق شده‌اند و حتی به وسیله کسانی که محروم هستند، مورد احترامند. در واقع، سرمایه فرهنگی پوشش متنوعی از فضاهای مختلف سرمایه است (رزنلوند، ۲۰۰۰: ۴۹). سرمایه فرهنگی یک مفهوم جامعه شناختی دارد که از زمانی که برای اولین بار توسط پیر بورديو به کار برده شد، شهرت گسترده‌ای پیدا کرده است. سرمایه فرهنگی یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود (قرونه، ۱۳۸۱). سرمایه فرهنگی بازنمایی جمع نیروهای غیراقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به آموزش و منابع مختلف است که بر موفقیت تأثیر می‌گذارد. سرمایه فرهنگی مشتمل بر کفایت زبانی، فرهنگی و مهارت در فرهنگ طبقات بالاتر می‌باشد. تا پیش از به میان آمدن مضامین «سرمایه اجتماعی» و «سرمایه فرهنگی»، نگاه به مؤلفه‌های توسعه و عوامل دخیل در آن، محدودتر از امروز بود. بنیانگذاران نظریه سرمایه اجتماعی و فرهنگی، به واقع چشم اندازه‌های نوینی را گشوده‌اند که بر عملکرد مؤسسات و نهادهای حکومتی، تأثیرات شگرفی داشته است. اگر در گذشته پس از عبور از دوران تأکید بر سرمایه‌های مادی و فیزیکی، بر سرمایه انسانی تأکید می‌شد، امروزه بر ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌شود و تحقق توسعه انسانی - به ویژه از جنبه عدالت - عمیقاً در گرو توسعه اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌گردد.

سرمایه فرهنگی اصطلاحی جامعه شناختی است که از زمانی که پی یر بورديو در سال ۱۹۷۳ آن را مطرح ساخت، کاربرد گسترده ای پیدا کرد. او به همراه ژان کلود پاسرون برای اولین بار عبارت «بازتولید فرهنگی و باز تولید اجتماعی» را در عنوان اثر خود به کار برد. در این اثر، بورديو کوشید تفاوت درآمدهای ناشی از فعالیت‌های آموزشی در فرانسه را در دهه ۱۹۶۰ تبیین نماید. از دیدگاه بورديو، سرمایه آن چیزی است که به عنوان یک رابطه اجتماعی در درون یک سازواره از تعاملات، عمل می‌نماید و دامنه آن بدون

هیچ تمایزی به تمامی کالاها، اشیاء و نشانه‌هایی که خود را به عنوان چیزهای کمیاب و ارزشمند، عرضه می‌دارند (و در یک ساختار مشخص اجتماعی مورد تقاضا هستند) کشیده می‌شود و سرمایه فرهنگی به عنوان یک رابطه اجتماعی درون سازواره ای از تعاملات که مشتمل بر دانش فرهنگی انباشته عمل می‌کند، منتهی به قدرت و منزلت می‌گردد (روحانی، ۱۳۸۸: ۹ به نقل از پارکر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰: ۱۳).

درک بورديو از سرمایه، وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است، سرمایه یک منبع عام است که می‌تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیر ملموس به خود گیرد. بنابراین به نظر بورديو، سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۳ به نقل از استونز، ۱۹۹۸: ۲۲۱).

### ابعاد سرمایه فرهنگی

ابعاد سرمایه فرهنگی از دیدگاه بورديو، می‌تواند به سه صورت تجلی یابد:

۱- سرمایه فرهنگی تجسم یافته: می‌توان بیشتر ویژگی‌های سرمایه فرهنگی را از این واقعیت استنباط کرد که این سرمایه، با شخصی که در آن تجسم می‌یابد، ارتباط نزدیک دارد. سرمایه فرهنگی تجسم یافته، نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی ناپذیری از فرد در آمده است. این همان بخشی است که بورديو آن را ابعاد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نمود. این نوع سرمایه، به صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷). در واقع، سرمایه فرهنگی درونی شده توانایی‌های بالقوه ای دارد که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و در او تثبیت شده‌اند (نوغانی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

۲- سرمایه فرهنگی عینیت یافته: این سرمایه از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره مند گردند و بیشتر در کالاها و اشیاء مادی تجسم می‌یابد و از ویژگی‌های بارز آن، قابل انتقال بودن آن است. بنابراین، این سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح می‌باشد و می‌تواند جنبه نمادی آن هم حفظ گردد. به طور خلاصه، به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند، اما خصلت اساسی این سرمایه در این است که اثر آموزشی بر دارندگان آن می‌گذارد (محسنی، ۱۳۶۷: ۱۸۱).

۳- سرمایه فرهنگی نهادی و ضابطه ای: لازمه سرمایه فرهنگی نهادی، قبل از هر چیز وجود افراد با صلاحیت و مستعد در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. از طرف دیگر، مستلزم وجود نهادهای رسمی، که هم این مدارک تحصیلی را صادر و هم به آن رسمیت بخشند، می‌باشد. از

1. parker

ویژگی‌های بارز این سرمایه، این است که به شکل پلی میان اقتصاد و فرهنگ عمل می‌کند و این توانایی را دارد که سرمایه فرهنگی را از طریق کاربرد آن به طرق معقول و رسمی، به نوعی سرمایه اقتصادی تبدیل نماید. سرمایه فرهنگی نهادی، با قوانین و مقررات نهادینه شده حاصل می‌شود و برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند. این سرمایه، به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عنوان‌هایی مانند مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه و کار، برای افراد کسب موقعیت می‌کند. این سرمایه، همچنین قابل واگذاری و انتقال نیست و به دست آوردن آن برای افراد به شرایط معینی بستگی دارد (روح الامینی، ۱۳۶۸: ۱۱۸).

### منابع سرمایه فرهنگی

۱- خانواده: در همه فرهنگ‌ها، خانواده رکن و عامل اصلی اجتماعی شدن کودکان است. با وجود اینکه عرصه خانواده بسیار کوچک است، اما کودکان به نحوی تربیت می‌شوند که سالیان متوالی و یا به عبارتی در تمامی عمر، ضمن پذیرش جامعه، انتظارات آن را از خود برآورده کنند. پاسخ دادن به انتظارات جامعه، ناشی از شیوه‌های رفتاری است که فرد در زمان کودکی، از طریق ارتباط تنگاتنگ خانواده با محیط اجتماعی برقرار کرده است. به این دلیل، وقتی کودک پا به مدرسه می‌گذارد، با خود الگوهایی به مدرسه می‌برد که نشأت گرفته از خانواده است و همین الگوها تأثیر بسیار زیادی در آموزش‌های نهادینه شده دارد و این آموزش‌ها به نحوی در تقویت رفتارها و منش‌های خانوادگی دخالت می‌نمایند.

به زعم گیدنز، در جوامع امروزی، اجتماعی شدن بیش از همه در زمینه کوچک خانوادگی رخ می‌دهد و با وجود این تفاوت‌ها، به طور معمول، یکی از عوامل عمده اجتماعی شدن، از دوران کودکی تا نوجوانی و پس از آن است که به صورت سلسله پی در پی رشد و تکامل، انسان‌ها را به یکدیگر مربوط می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۵). اجتماعی شدن، فرایندی است که به واسطه آن از طریق تماس با انسان‌های دیگر، کودک ناتوان، به تدریج به انسانی آگاه، دانا و ماهر در شیوه‌های رفتار، به ویژه فرهنگ و محیط معینی تبدیل می‌شود. خانواده نوعی میل به جاودانه کردن موجودیت اجتماعی انسان، به همراه تمامی قدرت‌ها و امتیازات وابسته به آن است که ریشه در راهبردهای بازتولید دارد. برای مثال، راهبردهای باروری و زایمان، راهبردهای مربوط به ازدواج، وراثت و جانشینی، اقتصادی و به خصوص راهبردهای تربیتی و پرورشی، از کارکردهای خانواده به شمار می‌آید. خانواده‌ها به تناسبی که سرمایه فرهنگی‌شان بیشتر و وزن نسبی سرمایه فرهنگی آن‌ها در قیاس با سرمایه اقتصادی‌شان بزرگ‌تر باشد، سرمایه بیشتری به امر آموزش و پرورش فرزندان خود تخصیص می‌دهند. بر اساس این الگو، امروزه خانواده‌ها، به ویژه خانواده‌های ممتاز همچون خانواده‌های روشنفکران، اساتید دانشگاه و سطوح بالای مشاغل آزاد، در تمامی کشورهای پیشرفته، به آموزش و پرورش فرزندان خود اهمیت می‌دهند. این الگو به فهم این موضوع کمک می‌کند که «بزرگ‌ترین

و بلند مرتبه ترین مراکز آموزشی، که فارغ التحصیلان آن برترین موقعیت‌های اجتماعی را اشغال می‌کنند، هر روز بیش از پیش مورد استفاده اعضای فرزندان لایه‌های ممتاز جامعه قرار می‌گیرد (بورديو، ۱۳۸۰: ۵۵). به عقیده بورديو، جهت گیری‌های فرهنگی و با عادات، که در مراحل اولیه زندگی به طور ناخودآگاه آموخته می‌شود، به سختی تغییر نموده و در شکل گیری پاسخ‌ها در تجربیات بعدی زندگی، بسیار فعال عمل می‌نماید. کودکان عادات فرهنگی طبقاتی را از والدین خود می‌آموزند و این عادات، مسیر زندگی آنان تعیین می‌کند. کودکان طبقه بالا، به طور طبیعی همانند والدین خود جامعه پذیر شده و فرهنگ پایگاه بالاتر را که توسط سیستم آموزش تجربی پاداش داده می‌شود، به نمایش می‌گذارند و همین مسأله سبب تراکم سرمایه فرهنگی آنان می‌شود. کسانی که مجهز به فرهنگ و تربیت پایگاه‌های اجتماعی بالاتری باشند، در کسب مشاغل پر وجهه موفق‌ترند (آزاده، ۱۳۷۸).

۲- طبقات اجتماعی: بحث اصلی بورديو، در مورد سرمایه فرهنگی در ارتباط با طبقات اجتماعی است. به زعم بورديو این طبقات اجتماعی بالا هستند که سرمایه فرهنگی خاصی را در سلسله مراتب قشربندی اقتصادی به خود اختصاص داده‌اند، به نحوی که افرادی که در سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی بالاتر قرار دارند، نوع مصرف کالاهای فرهنگی، ارایه روش‌ها، منش‌ها و الگوهای متفاوتی دارند و از نظر تحصیلی، فرزندان این طبقات بالا هستند که بیشتر به سرمایه فرهنگی دست می‌یابند. افراد این طبقات، به واسطه برخورداري از امکانات بیشتر و نوع سلیقه و سائقه متفاوت در انجام بازدهی‌ها از نمایشگاه‌های فرهنگی، خرید کتاب، مسافرت‌ها و به طور کلی دستیابی به امکانات و لوازم فرهنگی، از منزلت برتری برخوردارند. بورديو معتقد است که طبقه و فرهنگ به صورت عمودی رتبه بندی شده و یکدیگر را تقویت می‌نمایند. فرهنگ طبقات بالا در ظاهر به خاطر برتری خود و در واقع به خاطر تسلط طبقه حاکم، فرهنگی متمایز و قابل تشخیص می‌گردد. از طرف دیگر، فرهنگ به ایفای تمایزات طبقاتی کمک کرده و همانند سرمایه‌های مادی و اقتصادی، به فرصت‌های زندگی افراد شکل می‌دهد. سرمایه فرهنگی، تعیین کننده سطح پرستیژ فرهنگی سطوح مختلف ساختار طبقاتی در جامعه می‌باشد. بورديو، از سرمایه فرهنگی و مادی برای توصیف مدل طبقاتی دو بعدی استفاده می‌کند. بعد عمودی، نشانگر حجم سرمایه مادی است و بعد افقی بیانگر ترکیب این سرمایه‌ها و یا شدت سرمایه فرهنگی در مقابل سرمایه اقتصادی می‌باشد. سرمایه فرهنگی، بیشتر در محیط‌های علمی و سرمایه مادی در دنیای اقتصادی یافت می‌شود.

بورديو همچنین به محیط‌های اجتماعی و یا زمینه‌هایی اشاره دارد که در آن تحرکات اجتماعی شکل می‌گیرد. این محیط‌ها به لحاظ ترکیب و یا تقابل سرمایه فرهنگی و مادی دارای اهمیت نسبی می‌باشند. افراد همیشه توسط ترکیبی از این دو سرمایه رتبه بندی می‌شوند و این دو محیط به لحاظ سطح و گستره فرهنگی از یکدیگر متمایز می‌گردند. اگر چه افراد در طول زندگی خود، به طور دایم مجهز به ابعاد فرهنگی جدیدی

می‌شوند که به گونه‌ای آزادانه از بین تجربیات مطلوب بر می‌گزینند، ولی این انتخاب‌ها تنها از آن جنبه‌هایی از فرهنگ صورت می‌گیرد که با جهت‌گیری‌ها و عادات آنان منطبق باشد. بنابراین، تنها چیزهایی را می‌آموزند که شبیه عادات و سلیقه آنان می‌باشد و تغییر چندانی در سرمایه فرهنگی آنان ایجاد نمی‌کند و بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی به طور مرتب خود را بازتولید می‌نماید (سمیعی، ۱۳۷۹: ۱۷). به عقیده بورديو کودکان متعلق به طبقه مرفه، غالباً در منزل، در جریان فعالیت‌های فرهنگی و کالاها و منابع فرهنگی (کتاب، منابع و امکانات آموزشی و تحصیلی) بیشتری قرار می‌گیرند و از نظر تحصیلی، در مقایسه با کودکان طبقات محروم که دسترسی کمتری به سرمایه فرهنگی دارند، موفق‌ترند (نوغانی، ۱۳۸۳: ۱۹). به نظر بورديو طبقه مسلط به دلیل برخورداری از امکان بیشتر برای بازدید از موزه‌ها، کتابخانه‌ها و تئاترها و انجام مسافرت‌ها و خرید کتاب و به طور کلی دستیابی به ثروت‌های فرهنگی از جایگاه برتری برخوردار است در واقع ثروت‌های فرهنگی به صورت نابرابر پخش می‌شود و این نه نابرابری اقتصادی، بلکه انعکاس استراتژی تشخیص و تمایز، یعنی مبارزه طبقاتی در فرهنگ است.

### تحقیقات پیشین

در ایران در ارتباط با پدیده سرمایه فرهنگی تحقیقات متعددی توسط پژوهشگران صورت گرفته است. در ذیل به برخی از پژوهش‌ها در این زمینه اشاره گردیده است.

رابطه سرمایه فرهنگی و پدافند غیر عامل اشاره به راهبردهایی دارد که طبق آن می‌توان علاوه بر حفظ خودباوری، به نوعی باز تولید فرهنگی در زمینه درک تهدیدهای دشمن و راه‌های مقابله با آن پرداخت. به عنوان نمونه، اگر بتوانیم فرهنگ استفاده از پناهگاه را در میان مردم به هنگام حملات هوایی یا موشکی دشمن نهادینه سازیم، به میزان قابل ملاحظه‌ای از تلفات نیروی انسانی کاسته می‌شود؛ چرا که بر اساس محاسبات انجام شده، اگر یک بمب اتم در مرکز شهر منفجر شود و تمامی مردم در پناهگاه استاندارد باشند، میزان تلفات ۲۴ هزار نفر و تعداد مجروحان ۷ هزار نفر خواهد بود؛ در حالی که این میزان بدون پناهگاه به ۷۰ هزار نفر می‌رسد (کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۰: ۳۰).

با توجه به تعریف فرهنگ که در ابتدای پژوهش بدان اشاره شد، باید با شناخت ویژگی‌ها و هنجارهایی که در یک جامعه حاکم است، نسبت به طراحی اصولی چند برای مقابله با تهدیدهای دشمن و تعیین خطوط اصلی و فرعی پدافند غیرعامل اقدام کرد (تمدن، ۱۳۹۰، [defence@mellatonline.net](mailto:defence@mellatonline.net)).

در پژوهشی تحت عنوان تأثیر نابرابری سرمایه‌های فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی که توسط محسن نوغانی صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس دولتی و غیردولتی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی استان خراسان بوده است. در این تحقیق، فرضیه اصلی به دنبال بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر احتمال قبولی و نمره کسب شده

داوطلبان آزمون سراسری ورود به دانشگاه با استفاده از متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و پیشینه تحصیلی است. روش تحقیق، روش پیمایشی و ابزار جمع آوری داده‌ها پرسش نامه محقق ساخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در پرتو حضور سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی سهم مثبت و معناداری بر احتمال قبولی و نمره کسب شده داوطلبان دارد.

پژوهشی دیگر تحت عنوان رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، توسط محمود شارع پور و غلامرضا خوش فر در شهر تهران صورت گرفته است. این پژوهش در جستجوی آن بوده است با سنجش تجربی مفاهیم سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی، رابطه ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی را با نحوه تعریف افراد از خویششن بررسی نموده و همبستگی سرمایه فرهنگی را با برجستگی هویت‌های مختلف اجتماعی مورد مطالعه قرار دهد.

این پژوهش از نوع پیمایش و شیوه نمونه گیری با توجه به حجم زیاد جامعه آماری و نوع روش تحقیق از شیوه نمونه گیری طبقه ای متناسب دو مرحله ای استفاده شده است، نمونه‌ها به طور متناسب سهمیه داده شده‌اند و سپس در هر یک از نواحی نمونه‌ها به شیوه تصادفی ساده انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که بین سرمایه فرهنگی و برجستگی انواع چهارگانه هویت، همبستگی مثبت وجود دارد (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱).

در مطالعه‌ی نیازی و کارکنان (۱۳۸۶)، تحت عنوان «تبیین جامعه شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان در دانشگاه کاشان»، رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف این پژوهش، مطالعه ابعاد نظری سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی و چگونگی پیوند آن دو می‌باشد. نتایج به دست آمده از این پژوهش، بیانگر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی را نشان می‌دهد. همچنین، رابطه بین سرمایه فرهنگی و اجتماعی با هویت اجتماعی جوانان توسط فاتحی (۱۳۸۳) در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان را نشان داده است.

## روش تحقیق

برای سنجش مفهوم سرمایه فرهنگی از مواردی چون میزان تحصیلات والدین و خود فرد، میزان آشنایی والدین با زبان‌های خارجی، عضویت والدین در کتابخانه، میزان بازدید از اماکن تاریخی، میزان شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه و میزان استفاده از تجهیزات فرهنگی استفاده شده است.

این مطالعه از نوع مطالعات پیمایش اجتماعی<sup>۱</sup> بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه

1. social survey

توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. با توجه به مؤلفه‌های پژوهش، ابزار تحقیق شامل پرسشنامه تدوین و اعتبار و روایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، با پردازش و ورود داده‌ها به کامپیوتر، با استفاده از برنامه نرم‌افزار SPSS و فعالیت‌های آماری مربوطه (توصیفی و تحلیلی) تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت خواهد گرفته است.

### جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل می‌باشد. در این تحقیق متناسب با موضوع و جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۶۸۶ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و به روش تصادفی مورد بررسی قرار گرفته است.

### تحلیل یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های تحقیق در ارتباط با متغیر مورد نظر در پژوهش ارائه و توصیف گردیده است. در این بخش، ابتدا مشخصات فردی پاسخگویان ارائه و پس از آن، متغیر سرمایه فرهنگی به عنوان متغیر اصلی تحقیق ارائه گردیده است.

### ۱- مشخصات فردی پاسخگویان

از مجموع ۶۸۶ پاسخگو به عنوان نمونه تحقیق، ۴۸/۸ درصد، زن و ۵۱/۲ درصد، مرد می‌باشند. از نظر وضعیت تأهل، ۶۱/۷ درصد متأهل و ۳۸/۳ درصد مجرد می‌باشند. از نظر وضعیت اشتغال، ۴۳/۵ درصد شاغل، ۲۵/۲ درصد خانه دار، ۵/۴ درصد بیکار، ۲/۷ درصد بازنشسته و ۲۳/۱ درصد محصل بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلات، ۳۴/۲ درصد پاسخگویان در حد دیپلم و یا کمتر از دیپلم، و ۳۰/۲ درصد بالاتر از دیپلم می‌باشند و از نظر سن، سن ۱۶/۱ درصد از پاسخگویان کمتر از ۲۰ سال، ۴۲/۱ درصد ۲۰-۲۹ سال، ۲۳/۴ درصد ۳۰-۳۹ سال، ۱۱/۸ درصد ۴۰-۴۹ سال و ۴/۷ درصد ۵۰ سال و بیشتر داشته‌اند.

### میزان سرمایه فرهنگی

در این تحقیق، میزان سرمایه فرهنگی با استفاده از ۱۴ گویه در قالب طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مجموع گویه‌ها، در جدول زیر توزیع آماره‌های قابل مقایسه طیف، ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱: آماره‌های قابل مقایسه سرمایه فرهنگی

مفهوم	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سرمایه فرهنگی	۶۸۶	۰	۱۰۰	۵۲/۶۳	۱۵/۴۵	-۰/۱۲۸	۰/۷۶۴

با توجه به کرانه بالا و پایین نمرات، در جامعه آماری مورد بررسی و با تقسیم دامنه‌ی تغییر به عدد سه

با فواصل برابر، میزان سرمایه فرهنگی پاسخگویان به دست آمده است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصدی میزان سرمایه فرهنگی پاسخگویان

موارد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
پایین	۲۳۲	۳۰/۵	۳۰/۵
متوسط	۳۰۲	۳۹/۷	۷۰/۳
بالا	۱۵۲	۲۹/۷	۱۰۰
جمع	۶۸۶	۱۰۰	-

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد میزان سرمایه فرهنگی ۲۹/۷ درصد پاسخگویان در حد بالا، ۳۹/۷ درصد متوسط و ۳۰/۵ درصد در حد پایین می‌باشد بنابراین اکثر پاسخگویان دارای سرمایه فرهنگی در حد متوسط بوده‌اند.

### نتیجه گیری

پدافند غیرعامل، در سال‌های اخیر به عنوان شیوه‌ای برای دفاع غیر مسلحانه در برابر حملات دشمن، ساختاری سازمانی و نهادینه شده یافته است. کاربست شیوه‌های پدافند غیرعامل، جدای از این که ضریب پایداری و کاهش آسیب‌پذیری را به همراه دارد، به عنوان مقوله‌ای فرهنگی در حوزه علوم اجتماعی نیز مطرح شده است. توجه به تهدیدات نوین دشمن با استفاده از رسانه‌ها، آسیب روحی و روانی به پیام‌گیران آن‌ها برای نفوذ گسترده‌تر در عرصه‌ی ارتباطات، با حربه‌های ارتباطی، مورد توجه اکثر کشورهای با فرهنگ اصیل قرار گرفته است. این زمینه در کشور ما نیز مورد توجه صاحب‌نظران بوده است.

امروزه بحران هویت، بحران انسجام و همبستگی، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران اقتدار و بحران توسعه از جمله بحران‌ها و آسیب‌هایی است که می‌تواند کشورها را در دنیای امروز رسانه‌ها، مورد تهدید قرار دهد و اگر به آن رسیدگی نشود، مورد بهره‌گیری دشمن قرار می‌گیرد. در جهان امروز برای دفاع لازم است به آسیب‌ها و بحران‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه نمود تا این گونه مسائل مورد سوءاستفاده دشمنان قرار نگیرد. در تهدیدات امروزی که دشمنان با پیچیده‌ترین سلاح‌های الکترونیکی و رسانه‌ای حضور می‌یابند، علاوه بر توان دفاعی نیروهای نظامی، مردم نیز نقش مؤثر و کارا دارند، چرا که در جنگ‌های نسل چهارم، مردم اولین کسانی هستند که توسط دشمن به صورت غیر مستقیم مورد تهدید قرار می‌گیرند، لذا شیوه‌های ایمن سازی افکار عمومی برای کاهش آسیب از زمینه‌های مورد توجه در پدافند غیرعامل است.

بنابراین با توجه به اهمیت تعاون و مشارکت در دین مبین اسلام و نقش مشارکت‌های واقعی مردم در

پیشگیری از حاشیه نشینی و بیگانگی اجتماعی و سیاسی و نیز اهمیت آن در توانمند سازی شهروندان، لازم است در بخش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه زمینه حضور فعال، مستمر و آگاهانه و مبتنی بر منافع جمعی و ملی شهروندان در قالب شکل‌های مردمی فراهم گردد و همچنین با توجه به نقش حیاتی خانواده در ایران و جایگاه خانواده در فرهنگ ایرانی به عنوان نهادی مقدس که مبنای اساسی فرهنگ پذیری و جامعه پذیری افراد جامعه قرار دارد، و نیز نقش زن و مادر به عنوان منشأ مهربانی و عطوفت در خانواده، لازم است جهت تحکیم نهاد خانواده و ارتقاء سرمایه اجتماعی و فرهنگی زنان تلاش‌های لازم صورت گیرد.

### منابع

- موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۹)، اصول و مبانی پدافند غیر عامل، تهران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر
- نیازی، محسن (۱۳۸۰)، تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان
- نیازی، محسن و کارکنان، محمد (۱۳۸۶)، تبیین جامعه شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، ش ۳.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه، در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان
- جلائی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷)، نظریه‌های متاخر جامعه شناسی، تهران، نشر نی
- ریتزر، جرج (۱۳۸۱)، نظریه‌های جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- آزاده، منصوره اعظم (۱۳۷۸)، ناسازگاری پایگاهی، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- استونز، راب (۱۳۸۳)، متفکران بزرگ جامعه شناسی، ترجمه مهرداد میر دامادی، تهران، نشر مرکز.
- اسکندری، حمید (۱۳۸۹)، دانستنی‌های پدافند غیر عامل (ویژه مدیران و کارشناسان ارشد)، بوستان حمید، چاپ اول، تهران
- بوردیو، پیر (۱۳۸۱)، نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازی.
- تراسی، دیوید (۱۳۸۲)، اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی، چاپ اول.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت نامه، جلد‌های ۱، ۹ و ۱۰، تهران، دانشگاه تهران
- دیلینی، تیم (۱۳۸۸) نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، مترجمان بهرنگ صدیق، وحید طلوعی، تهران، شادرنگ
- روح الامینی، محمود (۱۳۶۸)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات عطاران.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۷)، زمینه فرهنگ شناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات عطار.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، درآمدی نظریه سرمایه فرهنگی، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳.
- ساندرس، فرانسیس استونز (۱۳۸۲)، جنگ سرد فرهنگی سیا در عرصه فرهنگ و هنر، انتشارات غرب شناسی.
- سمیعی، زهره (۱۳۷۹)، تأثیر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها بر موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۸) کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷)، روند جهانی در سنجش سرمایه اجتماعی، اثرپذیری از حوزه سیاست گذاری اجتماعی، مدیریت و توسعه، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- شارع پور، محمود، غلامرضا خوش فر (۱۳۸۱)، رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان «مطالعه موردی شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰
- شویره، کریستیان و الیویه فونتن (۱۳۸۵)، واژگان پیر بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مصرف موسیقی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ادبیات.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- قرونه، حسن (۱۳۸۹)، بازتاب سرمایه فرهنگی در آینده سازمان، شماره ۲۱۷.
- کالینیکوس، آکس (۱۳۸۳)، درآمدی تاریخی به نظریه اجتماعی. ترجمه اکبر معصوم بیگی. تهران: آگه.
- کرمی، مسعود (۱۳۸۷)، قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات قدرت نرم، جلد دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- کریمی تبار، مریم (۱۳۸۹)، راهبردها و راهکارهای فرهنگی دولت زمینه ساز در رویارویی با جنگ نرم، فصلنامه مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۳.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، **تجدد و تشخیص**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
  - ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۶)، **راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه **عملیات روانی**، شماره ۱۸.
  - ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، **بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم**، فصلنامه **مطالعات بسیج**، سال چهاردهم، شماره ۵۰.
  - محسنی، منوچهر (۱۳۶۷)، **مقدمات جامعه شناسی**، تهران: نشر دوران.
  - ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱)، **بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان (علی آباد - گنبد)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
  - ملیس و همکاران (۱۳۸۸)، **کاربرد قدرت نرم در روابط بین الملل**، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
  - ممتاز، فریده (۱۳۸۳)، **جامعه شناسی شهر**، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار
  - نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، **درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم**، فصلنامه **راهبرد دفاعی**، سال هشتم، شماره ۲۸.
  - نای، جوزف (۱۳۸۳)، **قدرت نرم**، ترجمه محمود عسگری، تهران، **نشریه دفاعی**، سال دوم، شماره ۶.
  - نوغانی، محسن و اصغرپور ماسوله، احمد رضا (۱۳۸۷)، **بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی، مدیریت و توسعه**، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- Harker,R,(1990)" Educasion and Cultural Capital" in Harker,R,Mahar ,C.,(eds),An Interoduction to the Work of Pierre Bourdieu:The Practice Of Theory, Macmilan press,London
- Stone,W.H(2002):Social capital: Empirical meaning and measurement validity. Australian Institute of Family studis,Research Paper no.27.
- Anherier,H.K.Gerhand,J &Romo,F.P.(1995)," Forms of capital and social stracture in cultural fild: examining boudieus". No 4: 859-90.American Journal of sociology- Vol.100social toporafy
- Michel, S (2008), **Persuasion and Social Influence**, New York, Wadsworth
- Vogt,W.P.(1993),**Dictionary of statistics and methodology**" Newbury park" sage publications